

غزل شماره ۲۲۶

ترسم که اشک در غم ما پرده در شود
وین رازِ سر به مُهر به عالم سَمَر شود

گویند سنگ لعل شود در مقامِ صبر
آری شود، ولیک به خونِ جگر شود

خواهم شدن به میکده گریان و دادخواه
کز دستِ غمِ خلاصِ من آنجا مگر شود

از هر کرانه تیر دعا کرده ام روان

باشد که آن میانه یکی کارگر شود

ای جان حدیث ما بردار بازگو

لیکن چنان گو که صبارا خبر شود

از کیمیای مهر تو زرگشت روی من

آری به یمن لطف شما خاک زر شود

در سنگنای حیرتم از نخوت رقیب

یارب مباد آن که کدا معتبر شود

بس نکته غیر حُن باید که تا کسی

مقبولِ طبعِ مردم صاحب نظر شود

این سرکشی که گنکره کاخ وصل راست

سرمایه بر آستانه او خاک در شود

حافظ چو نافه سر زلفش به دستِ توست

دم درکش از نه بادِ صبارا خبر شود

تفسیر فال

صبر داشته باش، هرچند که دلت به شدت خون می‌شود و دردی عمیق در سینه‌ات حس می‌کنی. رازها و افکار خود را به هیچ کس نگو، چرا که افشای آن‌ها ممکن است عواقب ناگواری برایت به دنبال داشته باشد. خداوند تو را از دست ستمگران و مشکلاتی که زندگی بر سر راهت قرار می‌دهد، محافظت خواهد کرد. ممکن است در حال حاضر احساس کنی که کاری از دستت برنمی‌آید، اما تنها چیزی که باقی مانده است دعا کردن است؛ شاید دعاهایت روزی مورد قبول خداوند واقع شود و آرامشی را به زندگی‌ات بازگرداند. فراموش نکن که اگر روزی به حاجتی رسیدی و مورد توجه دیگران قرار گرفتی، نباید خدا را فراموش کنی. بلکه باید بیشتر از پیش رو به سوی او آوری و شکرگزار نعمت‌هایش باشی؛ چراکه همه چیز از اوست و اوست که راه درست را نشان می‌دهد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)